

بررسی زمینه‌های کاربرستی «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در شاهنامه فردوسی (با رویکرد به شخصیت کی‌خسرو)

لیلا احمدی نصر - دکتر علی عشقی سردهی - دکتر سعید روزبهانی

چکیده

انسان آرمانی برآیند خواسته و آمال نوع بشر است. انسان‌ها از این بابت که همواره فزونی‌طلب و کمال‌گرا هستند، تلاشی ستودنی برای خلق بشری کامل و جامع در زمینه‌های جسمانی و معنوی انجام داده‌اند. نمود این تلاش‌ها در گستره ادبیات به روشنی دیده می‌شود. شاهنامه فردوسی به عنوان اثری حماسی و ملی، ابعاد گوناگون انسان آرمانی را شرح داده و با آفرینش شخصیت‌هایی برجسته هم‌چون: رستم، کی‌خسرو، سیاوش، زال و ... ضمن آن‌که در بهبود و تقویت هویت خدشه‌دار شده ایرانیان، گامی مهم برداشته، در تحقق خواسته عمومی بشریت و آرایه‌الگوهای انسانی، مؤثر عمل کرده است. در انجام این مهم، استفاده از ظرفیت‌های تشبیه، کنایه و استعاره بسیار نقش داشته است. از این‌رو، در مقاله حاضر، با شیوه توصیفی - تحلیلی، کارکرد این صورت‌های خیالی در آفرینش و پرورش شخصیت کی‌خسرو کاویده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فردوسی از این طریق، بر باورپذیری و عینیت‌نمایی کی‌خسرو در نگاه مخاطبان افزوده و ویژگی‌های آرمانی او را بهتر منعکس کرده است. تشبیهات مرتبط با کی‌خسرو با استفاده از مظاهر طبیعت و حیوانات تنومند اثرگذارتر شده است. کنایه‌های مرتبط با این شخصیت نیز، عمدتاً زودیاب و ساده‌فهم هستند. در بحث استعاره نیز، بیشتر از نوع مصرحه استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی

فردوسی، شاهنامه، انسان آرمانی، کی‌خسرو، تشبیه، کنایه، استعاره.

انسان‌ها از روز نخست حیات، به دلیل ضعف‌های جسمانی و روحی، همواره درصدد بهبود و تقویت این کاستی‌ها برآمده‌اند. خلق انسان‌های آرمانی که در ابعاد زیستی و مینوی دارای شاخصه‌های برجسته‌ای هستند و مانند آن‌ها در عرصه گیتیایی کمتر دیده می‌شود، یکی از این راهکارهاست. آرمان‌خواهی نوع بشر ریشه در ذات او دارد که پیوسته به سوی کمال و برتری سوق پیدا می‌کند. نگاهی به کیفیت شخصیت‌های آرمانی خلق‌شده در فرهنگ‌های گوناگون، بیان‌گر این امر است که آن‌ها در سطوح منش و گفتار و اندیشه تفاوت معناداری با انسان‌های عادی دارند و به عنوان الگو و سرنمون اخلاقی و پهلوانی، مورد نظر دیگران قرار گرفته‌اند. جالب آن‌که، پرداختن به انسان آرمانی در میان همه گروه‌های انسانی دیده می‌شود که این امر به معنای نیاز مشترک نوع بشر به کمال‌گرایی است.

سخن گفتن از ویژگی‌های انسان آرمانی در عرصه ادبیات، بازتاب ویژه‌ای دارد. در ادبیات فارسی، شاهنامه فردوسی مملو از توصیفات سراینده نسبت به شخصیت‌هایی است که در ابعاد گوناگون، برتری قابل ملاحظه‌ای دارند. این اثر، برای بازتولید هویت ملی و گسترش فرهنگ ایران‌شهری سروده شده است. به عبارت دیگر، انگیزه اصلی فردوسی برای سرودن شاهنامه، آشنایی ایرانیان با خویش‌ترین راستین خویش بوده است. اهمیت کار او زمانی بهتر دانسته می‌شود که بدانیم مردم ایران در آن دوره از سوی ترک و تازی مورد هجوم قرار گرفته بودند و به فرهنگ و سبک زندگی آن‌ها به واسطه این تازش‌ها، آسیب‌های جدی وارد شده بود. خلق شخصیت‌های آرمانی مبتنی بر فرهنگ ایران‌شهری راهی برای ایجاد امید و انگیزه در میان مردم بود و افزون بر این، موجب جذابیت‌های داستانی شاهنامه و انتقال ساده‌تر مفاهیم گوناگون اخلاقی، اجتماعی، غنایی و ... به مخاطب بوده است.

کی‌خسرو در کنار رستم، یکی از آرمانی‌ترین شخصیت‌هاست. او در سراسر زندگی خود، شاهی دادگر و پهلوانی نامدار بود و در دوران زمامداری وی، اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران رو به بهبودی گرایید و ثبات و سامان به مرزهای ایران بازگشت. او در سال‌های

بررسی زمینه‌های کاربرست «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در... ۱۵۵

پایانی حکومت، از شاهی دست کشید و با گرایش به خلوت‌گزینی و معرفت‌جویی، از امور کشورداری کناره‌گیری کرد و پس از بدرود با همه، از دیده‌ها محو شد. سلوک معنوی کی‌خسرو در کنار پهلوانی‌ها و تدابیر حکومتی وی، قابل ستایش است. خوانش زندگی او بر اساس الگوهای انسان آرمانی، موجب هویدا شدن ابعاد جدید از شخصیت وی می‌شود و این شاه را به عنوان الگوی کمال‌یافته مطرح می‌کند. فردوسی از ترفندهای گوناگونی برای آفرینش و پردازش شخصیت کی‌خسرو استفاده کرده است. یکی از این موارد، بهره‌گیری از ظرفیت‌های زیبایی‌شناختی صورت‌های خیال‌انگیز است. در این مقاله، از میان صور خیال، تشبیه، کنایه و استعاره به دلیل بسامد بالا در شاهنامه، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هدف اصلی تحقیق، آشکار کردن هنر ادبی فردوسی (مبتنی بر کاربرد تشبیه، کنایه و استعاره) و نیز، تبیین بخشی از منظومه فکری او در خلق انسان‌های آرمانی، خاصه کی‌خسرو است. برای تحقق این هدف، از شیوه توصیفی و تکنیک تحلیل محتوا استفاده شده است. هم‌چنین، سعی شده است به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که تشبیه، کنایه و استعاره چه تأثیری در خلق و تقویت شخصیت کی‌خسرو داشته‌اند؟ و کدام یک از ویژگی‌های انسان آرمانی از این طریق منعکس و تبیین شده است؟

پیشینه تحقیق

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در چند مقاله به کیفیت تشبیهات و کنایات شاهنامه اشاره شده است. احمدی ملکی در مقاله «تشبیه‌های تصویری در شاهنامه» که سال ۱۳۷۷ در مجله نامه فرهنگ چاپ شده است، با نگاهی توصیفی و عاری از تحلیل، تنها به برخی از شواهد شعری که در بردارنده تشبیه بوده‌اند، اشاره‌ای مختصر کرده و سخنی از کارکرد این عنصر بلاغی در خلق شخصیت‌های آرمانی به میان نیامده است. خدیور و شفیعی اقدم در مقاله «بررسی کنایات شاهنامه در بخش تاریخی (رویکردی فرهنگ‌واره‌ای)» که سال ۱۳۹۰ در مجله پژوهش‌های ادبی و سبک‌شناسی منتشر شده است، به این نتیجه رسیده‌اند که کنایه پربسامدترین صورت

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۱ ❖ پاییز ۱۳۹۸

۱۵۶ بررسی زمینه‌های کاربرست «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در...

خیالی در شاهنامه است. غالب کنایات، فعلی و از گونه‌ایما می‌باشد. نجفی و پیری در مقاله «مقایسه سبک‌شناسانه تشبیهات شاهنامه با تشبیهات گرشاسب‌نامه» که سال ۱۳۹۲ در مجله بهار ادب چاپ شده است، به این نتیجه رسیده‌اند که بزرگ‌ترین عامل تمایز و برتری تشبیهات فردوسی به اسدی، تعادل و تناسب آن است که باعث ایجاد تناسب فرم با محتوا و نوع ادبی و انسجام در کلیت شده است.

در این پژوهش‌ها به نقش صورت‌های خیالی تشبیه، کنایه و استعاره در پردازش شخصیت‌های آرمانی در شاهنامه اشاره نشده است. در حالی که با وجود توانمندی‌های فردوسی در این زمینه، کیفیت هنر ادبی او مغفول مانده است. خلأ پژوهشی مذکور بر ابعاد نوآورانه مقاله حاضر می‌افزاید و آن را از مقالات دیگر متمایز می‌کند.

بحث اصلی

فردوسی شاهنامه را به بستری مناسب برای بازنمایی آراء خود بدل کرده است. نظرات فرزانه طوس معمولاً در بخش‌های اخلاقی و تعلیمی، اجتماعی، سیاسی، فلسفی و حکمی، عاطفی و غنایی و ... جای کی‌گیرد. او به عنوان سراینده‌ای مردمی که دغدغه‌های گروهی دارد، همواره در شاهنامه از مسائلی سخن گفته است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در ارتقای سطح معرفتی آدمی مؤثر هستند. پرداختن به انسان آرمانی و تشریح ابعاد گوناگون آن، یکی از راهکارهای فردوسی برای افزایش درک و بینش مخاطبانش نسبت به توانمندی‌های آدمی بوده است. او انسان‌هایی آرمانی هم‌چون کی‌خسرو را خلق کرده تا از این طریق، راه بدل شدن به انسان برتر را بیان کند و به مخاطبانش بیاموزد که همه آنها شخصیتی هم‌چون کی‌خسرو در درون خود دارند که باید کشف و پرورش داده شود. او هدف ارزشمند خود را با به کارگیری تشبیه، کنایه و استعاره عینیت بخشیده و این‌گونه، فرآیند منظورشناسی مخاطب را تسهیل کرده است. در این بخش، ابتدا به نقش تشبیه، کنایه و در نهایت، استعاره پرداخته می‌شود.

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۱ ❖ پاییز ۱۳۹۸

تشبیه

تشبیه در میان صور خیال، مزرهای خیال را به طور ویژه‌تری گسترش می‌دهد و با ظرفیت‌هایی که در تصویرسازی دارد، این امکان را در اختیار سراینندگان قرار می‌دهد تا با تأثیرگذاری بیشتری از یک شخصیت سخن بگویند و ویژگی‌های آن را ترسیم کنند. «تشبیه آن است که چیزی را به چیزی در صفتی مانند کنند. امر اول را مشبه و دوم را مشبه‌به و صفت مشترک مابین آنها را وجه‌شبه و کلمه‌ای که دلالت بر معنی تشبیه داشته باشد، ادات تشبیه می‌گویند». (همایی، ۱۳۸۹: ۱۵۲-۱۵۱) تشبیهات دربر دارنده مفهومی واقعی هستند، اما در ظاهر، عاری از واقعیت‌اند. مثلاً اگر جثه کسی را به پیل تشبیه می‌کنیم، در واقعیت، آن فرد مانند فیل نیست، بلکه قدرتی که او دارد، در این تشبیه لحاظ شده است.

در شاهنامه فردوسی، تشبیه پر بسامدترین صورت خیالی است. در بخش ماجراهای مربوط به کی خسرو نیز، این موضوع دیده می‌شود. زمانی که فردوسی در شاهنامه از کی خسرو سخن به میان می‌آورد، تشبیه برای باورپذیری بیشتر کنش و گفتار وی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ای بسا به همین دلیل است که تشبیه بسامد بیشتری نسبت به سایر صورتهای خیالی دارد. پیران ویسه به عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته و مورد ستایش شاهنامه، هنگامی که با کی خسرو سخن می‌گوید، با تأکید بر شاخصه‌های ظاهری و جسمانی پور سیاوش، چهره او را در زیبایی هم‌چون ماه فلک می‌خواند. در بخش دیگری از داستان، فردوسی برای توصیف چهره کی خسرو و تشریح شرایط فیزیکی شاه، او را به مثابه ماه می‌داند.

به روی زمین چون تو شاه نیست به خوبی رخت بر فلک ماه نیست

(فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۷۲)

همی تافت زان تخت خسرو چو ماه ز یاقوت رخشان به سر بر، کلاه

(همان: ۴۵۹)

این تشبیه عاری از نوآوری و تکراری است، اما فردوسی با ذوق ادبی ویژه‌ای که دارد، با اغراق در آن و برتری بخشیدن مشبه به مشبه‌به، بر خلاقیت بلاغی بیت مذکور افزوده است.

البته، بدیهی است که هدف غایی فردوسی، تحقق این مقوله نیست، بلکه قصد دارد سیمای کاریزماتیک و تأثیرگذاری از کی خسرو ارایه دهد. او شخصیتی است که در آینده نزدیک به مهم‌ترین فرد در ایران بدل خواهد شد. از این‌رو، باید از زبان دوست و دشمن تحسین شود و ویژگی‌های جسمانی و معرفتی او برجسته گردد تا نوعی تأیید ضمنی برای رسیدن این فرد به پادشاهی در ذهن مخاطب به وجود بیاید. بنا بر این، تشبیهاتی از این دست، صرفاً کارکرد زیبایی‌شناسی ندارند، بلکه فردوسی از طریق کارکردهای زیبایی‌شناسی تشبیه، بر مقبولیت کی خسرو افزوده است. در این راستا، پیران ویسه، پور سیاوش را در پویایی و زیبایی هم‌چون بهاران می‌داند. نکته ظریفی که در این تشبیه وجود دارد این است که پیران ویسه با آگاهی کامل از واقعیت جامعه ایران پس از مرگ سیاوش، آن را به مثابه زمستانی می‌داند که با حضور شخصیتی چون کی خسرو، دوباره پویا و شکوفا خواهد شد. به عبارت دیگر، کی خسرو شخصیتی است که با حضور خود در ایران، دل فسرده مردم را دوباره شادمان کرده و نشانه‌های زندگی دوباره نمود پیدا می‌کند. این تشبیه موجب تقویت جنبه‌های آرمانی شخصیت وی می‌شود.

به دی‌مه بسان بهاران بُدی پرس‌تش‌گه س‌وگواران ب‌دی

(همان: ۳۷۵)

پس از کشته‌شدن سیاوش به دست افراسیاب، فرنگیس و افراسیاب تحت نظارت تورانیان در سیاوش‌گرد زندگی می‌کردند. کاووس که از زنده بودن نوه‌اش باخبر گردید، گیو را به سمت توران فرستاد تا کی خسرو را بیاید. گیو عازم توران می‌شود و پس از مدتی به نزدیکی چشمه‌ای می‌رسد. پس از استراحت، با فردی روبه‌رو می‌شود که در نگاه او، همان کی خسرو است. نشانه‌های ظاهری این جوان، گیو را به چنین نتیجه‌ای رسانده بود. او قد و قامتی چون سرو داشت و فرّه ایزدی کاملاً در چهره‌اش نمایان بود. این تشبیه نشان می‌دهد که یک شاه آرمانی افزون بر چهره‌ای نیکو باید از قامت بلندی برخوردار باشد تا ابهت او در نزد مردم حفظ شود. گیو در توصیف کی خسرو می‌گوید:

بررسی زمینه‌های کاربست «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در... ۱۵۹

یکی چشم‌های دید تابان ز دور یکی سربوبالا دلارام پسر

ز بالای او فرّ ایزدی پدید آمد و رایست بخردی

(همان: ۴۲۳)

پس از کشته شدن سیاوش، کاووس که خود را در مرگ پسر گناه‌کار می‌دانست، دچار آشفتگی‌های روحی شد. از سخنان گوی این‌گونه برمی‌آمد که او از شرایط مساعدی برای ادامه امر پادشاهی برخوردار نبود و به این دلیل، کشور آن‌گونه که باید، اداره نمی‌شد. کی خسرو با شنیدن اوضاع و احوال نامناسب نیای خود، برآشفته می‌شود و از روی دل‌سوزی، رخس هم‌چون آتش سرخ می‌شود. تشبیه چهره شاه جوان به آتش به خوبی بیان‌گر احساسات درونی وی است. فردوسی از این طریق، عواطف و دنیای درونی کی خسرو را آشکار کرده و بدان عنایت بخشیده است. برخورداری از احساس ترحم، ویژگی دیگر یک شاه آرمانی است که از خلال تشبیه مذکور می‌توان به آن پی برد.

دل خسرو از درد بر روی بسوخت به کردار آتش رخس برفروخت

(همان: ۴۲۵)

کی خسرو در شاهنامه به عنوان یک شخصیت دین‌مدار ظاهر شده است. او به مبادی آیینی اهمیت ویژه‌ای می‌دهد و در امر کشورداری، از آن غافل نیست. این موضوع تا واپسین لحظه‌های حضور او در شاهنامه دیده می‌شود. او بیش از آن‌که شاه باشد، معلم اخلاق و گسترش دهنده معرفت و انسانیت بود. چنین شخصیتی پیوندی ژرف با کردگار دارد و در هر فرصتی و به هر بهانه‌ای او را می‌ستاید. کی خسرو همه شاخصه‌های جسمانی و کامیابی‌های خود را حاصل عنایت خداوند به خود می‌داند و جایگاه کنونی خود را برآیند الطاف الهی می‌شمارد. فردوسی با بهره‌گیری از یک تشبیه، ضمن آن‌که بر قابلیت‌های ویژه کی خسرو تأکید کرده، شاخصه معنوی او یعنی خداباوری و خدامحوری را شرح داده است.

خداوند کیوان و بهرام و هور خداوند فرّ و خداوند زور

مرا داد اورنگ و فرّ کیان تن پیل و چنگال شیر زیان

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۱ ❖ پاییز ۱۳۹۸

۱۶۰ بررسی زمینه‌های کاربرست «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در...

جهانی سراسر مرا شد ره‌ی مرا روشنی هست و هم فره‌ی

(همان: ۴۶۴)

کی خسرو تنها در ابعاد معنوی و اخلاقی، مثال‌زدنی نیست، بلکه در زمینه توجه به مسائل جنگی و نظامی هم، فردی شایسته است. او در جنگ‌های مختلف میان ایرانیان و تورانیان شرکت کرده و به خون‌خواهی سیاوش، ضربه‌های سختی بر پیکره دشمن فرود آورده است. او برای تحقق این هدف سترگ، از عناصر دیگر نظامی هم‌چون رستم نیز، سود جسته است. فردوسی، برای برجسته‌کردن این بخش از شخصیت کی‌خسرو، او را با عنوان سپهدار و شیده شیردل یاد می‌کند. این تشبیه، قدرت، شجاعت و اقتدار کی‌خسرو را بهتر نشان داده است. به ویژه آنکه، در بیت دوم، از لشکر مقتدر او در نبرد با تورانیان سخن می‌گوید که هم‌چون پیلان خشمگین، به پیش می‌روند و هر نیرویی را با شکست مواجه می‌کنند. در این ابیات، فردوسی با به‌کارگیری درست تشبیه، تصویری دقیق از قدرت شاه و سپاه ایران‌زمین و توازن میان آنها ارائه کرده است. به این معنا که، اقتدار کی‌خسرو و لشکر ایرانیان به یکدیگر وابسته است و تشبیه مذکور به خوبی بازتاب دهنده این موضوع می‌باشد.

سپهدار آن شیده شیردل کز آتش ستاند به شمشیر دل

سپاهش به کردار پیلان مست که با جنگ ایشان شود کوه پست

(همان، ج ۴: ۷-۸)

کنایه

کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح، سخنی است که دارای دو معنی نزدیک و دور است، به طوری که این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر هستند و شنونده با اندکی تأمل، معنی دوم را که لازمه معنی اول است، درک می‌کند. (ابوبکر محمد، بی‌تا: ۸۷۰) استفاده از کنایه دلایل گوناگونی دارد: یا برای احترام به مخاطب است یا برای ایجاد ابهام در شنندگان یا برای شکست دشمن بدون بجا گذاشتن راه نفوذ یا برای منزّه داشتن گوش از

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۱ ❖ پاییز ۱۳۹۸

بررسی زمینه‌های کاربردی «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در... ۱۶۱
خبری که شنیدن ابا دارد. (هاشمی، ۱۳۷۷: ۳۰۶) کنایه نوعی فعالیت ذهنی است؛ زیرا به دلیل پیدا کردن معانی نهفته در سخن، مخاطب مجبور به تفکر می‌شود و برای پی بردن به پیوندهای معنای حقیقی و مجازی کنایه، به کندوکاو ذهنی می‌پردازد.

کنایه هم‌چون تشبیه، نقش مهمی در بازنمایی شخصیت آرمانی کی خسرو در شاهنامه دارد. غالب کنایه‌های مرتبط با او، ساده و زودیاب هستند و مخاطب در پی بردن به منظور فردوسی با مشکل چندانی مواجه نمی‌شود. در بیت ذیل، دیدار کاووس و کی خسرو پس از سال‌ها دوری به تصویر کشیده شده است. کاووس خود را در کشته‌شدن سیاوش گناهکار می‌داند. از این رو، به لحاظ روحی شرایط خوبی را پشت سر نمی‌گذارد. ملاقات با نوّه گمشده‌اش، بارقه‌های امیدواری را دوباره در وجود فسرده او متبلور کرده و طراوتی دیگر به وی بخشیده است. فردوسی این دگرگونی روحی و زیستی را با استفاده از ظرفیت‌های ارتباطی و رسانه‌ای کنایه با مخاطب به اشتراک گذاشته است. این استحاله تنها به کاووس محدود و منحصر نمی‌شود، بلکه جهان نیز، از این رویداد استقبال کرده و شادمان شده است. عبارت «پر بوی و رنگ و نگار گشتن جهان»، کنایه از ایجاد دگرگونی‌های مثبت در سطح فردی (کاووس) و گروهی (همه مردم و مظاهر طبیعت) است. با به‌کارگیری این کنایه، فردوسی یکی از شاخصه‌های اصلی انسان آرمانی (ایجاد تحولات مثبت در اطرافیان به واسطه دیدار با او) را هم تشریح کرده است.

چو کی خسرو آمد بر شهریار جهان گشت پُر بوی و رنگ و نگار
(فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۴۵۳)

کی خسرو خود را شاه جهان می‌داند و به واسطه این مزیت، خود را ملزم به مبارزه با اهریمن و نیروهای آن می‌داند. یکی از خویشکاری‌های کی خسرو به عنوان شاه آرمانی و خودبسنده این است که برای گسترش خواسته‌های اهورایی می‌کوشد و کارگزاران اهریمنی را نابود می‌کند و به انزوا می‌کشانند. او عقیده دارد که «از درِ گاو تا برج ماهی» متعلق به اوست. این عبارت، کنایه از فرمانروایی بر سراسر زمین و آسمان می‌باشد که خود، کنایه‌ای از اقتدار و

۱۶۲ بررسی زمینه‌های کاربرست «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در...

قدرت شاه است. حال که کی خسرو چنین قدرتی دارد، باید نقش محوری‌اش را در هواداری از نیروهای اهورایی و تباه ساختن عناصر اهریمنی به خوبی انجام دهد.

جهانی سراسر به شاهی مراسم در گاو تا برج ماهی مراسم
گرین دژ بر و بوم آهرمنست جهان‌آفرین را به جان دشمنست
به فر و به فرمان یزدان پاک سرش را به گرز اندر آرم به خاک

(همان: ۴۶۵)

در جهان‌بینی فردوسی طوسی، کی خسرو شاهی آرمانی و شایسته است. او به واسطه کنش‌های سودمندی که برای مردم انجام داد، نزد فردوسی جایگاه ویژه‌ای دارد. در ابیات ذیل، شاعر با استفاده از ابزار بلاغی کنایه، شایستگی این شاه را با رویکردی ادبی بیان کرده است. مقام و مرتبت کی خسرو به قدری والا و برجسته است که نه تنها کلاه به او اعتبار می‌بخشد، بلکه او نیز، مایه مباهات کلاه و تاجی است که بر سر می‌نهد. این مفهوم با کنایه «ازو شاد شد تاج و او نیز شاد» مطرح و تشریح شده است. اگر نگاه کنایی فردوسی را تعمیم دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که کی خسرو به دلیل برخورداری از شاخصه‌های اخلاقی و معرفتی انسانی، به مفهوم قدرت ابعاد جدیدتری بخشیده و آن را نزد دیگران بیش از پیش ارزشمند کرده است. او با استفاده بهینه و منطقی از قدرت، باعث تقویت و ارتقای سطح و سبک زندگی مردم شده است. دوران پیش از کشورداری کی خسرو با دوران پس از او بسیار متفاوت است. مردم برخلاف گذشته شادمان و پویا هستند و حتی این طراوت در عناصر و مظاهر طبیعت نیز، نمود دارد. کی خسرو با اقدامات خود، جهان را از دسیسه‌های اهریمنی در امان نگاه داشت و ارزش ویژه‌تری به تاج و کلاه پادشاهی - به عنوان نمادی از قدرت مطلق - بخشیده است.

چو تاج بزرگی به سر بر نهاد ازو شاد شد تاج و او نیز شاد...
جهان گشت پرچشمه و رود آب جهان شد سر غمگنان اندر آمد به خواب...
پسر از خوبی و ایمنی ز بد بسته شد دست اهرمنی

(همان، ج ۳: ۵-۴)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۱ ❖ پاییز ۱۳۹۸

بررسی زمینه‌های کاربرست «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در... ۱۶۳

در جریان کشته‌شدن فرود، کی خسرو با خاطی اصلی این پیشامد یعنی طوس نودر به شدت برخورد می‌کند و او را به حبس ابد محکوم می‌کند. مونولوگ ذکرشده در شاهنامه نشان می‌دهد که کی خسرو با در نظر داشتن عواقب تصمیم خود مبنی بر اشد مجازات (اعدام)، کاملاً هوشمندانه هم خاطی را به سزای عمل ناسزایش رساند و هم، مانع بروز درگیری و چندپارگی در دربار شد. او با خویشتنداری و زکاوت که بی‌تردید، نشانه‌ی یک شاه آرمانی است، به بهترین شکل این واقعه را حل و فصل نمود. دلیل کی خسرو برای عدم اعدام طوس، نژاده بودن وی و نیز، ریش سپیدی منوچهر شاه اعلام شده است. عبارت «ریش سپید» کنایه از محترم و ارزشمند بودن یک فرد است. اگر این عوامل نمی‌بود، سر طوس بدانندیش شده و بریده می‌شد. کنایه «بدانندیش شدن سر» تازگی دارد و در گستره‌ی ادب فارسی چندان تکرار نشده است.

تو را جایگه نیست در شارستان رزه بایسد و بنسد و بیمارستان
نژاد منوچهر و ریش سپید تو را داد بر ز ندگانی امید
وگر نه بفرمودمی تا سرت بدانندیش کردی به دور از سرت

(همان: ۸۰)

در دو بیت ذیل، سه کنایه دیده می‌شود که تقریباً همه موارد تکراری و زودیاب هستند. فردوسی این کنایات را از زبان افراسیاب درباره‌ی کی خسرو به کار برده است. شاه توران که از قدرت جنگاوری و نیروی کاریزماتیک شاه ایران، هراسناک است، با یاران خود مشورت و هم‌فکری می‌کند تا به نتیجه‌ی دلخواه دست یابد. او خطاب به اطرافیان خود می‌گوید که تورانیان یارای ایستادگی در برابر کی خسرو را ندارند. این مفهوم از طریق کنایه «پای نداشتن با او» تبیین شده است. در ادامه، افراسیاب، شاه ایران را فره‌مند و خجسته‌پی می‌شمرد و می‌گوید که اگر او به یاری سپاه خویش بیاید، تورانیان دچار مشکل خواهند شد. این مفهوم با به‌کارگیری کنایه «پشت سپاه آمدن» بازگو شده است. در مصراع پایانی به این موضوع اشاره شده است که شاه ایران، به واسطه‌ی بزرگی و قدرتی که دارد، کلاه بزرگی بر سر دیگران خواهد کرد. «کلاه بر سر نهادن» کنایه از قدرت را به کسی دادن و او را توانمند کردن است. بنا بر این، فردوسی با

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۱ ❖ پاییز ۱۳۹۸

۱۶۴ بررسی زمینه‌های کاربرست «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در...

ذکر سه کنایه پی‌درپی، هژمونی قدرت کی خسرو و هراس دشمن از او را بازگو کرده است. تو دانی که با او نداریم پای ایافر خجسته جهان کدخدای مگر خسرو آید به پشت سپاه به سر برنهد بندگان را کلاه (همان، ج ۴: ۶۱)

یکی از صفات کی خسرو که او را در شمار انسان‌های آرمانی شاهنامه قرار می‌دهد، تخلق او به صفت بخشودگی است. پس از اینکه تورانیان در نبرد با ایرانیان شکست می‌خورند و بخشی از آنها دستگیر می‌شوند، با عجز و لابه از شاه ایران درخواست زینهار می‌کنند. کی خسرو برخلاف شاهان دیگر که در شرایط مشابه دستور به قتل عام می‌دهند، این سربازان را می‌بخشد و کشتن آنها را امری ناستوده می‌داند. در بزرگ‌منشی کی خسرو همین بس که با اینکه می‌داند تورانیان دشمن تاج و تخت او هستند و ضربات بسیاری به سپاه او وارد آورده‌اند، اما از گناهشان درمی‌گذرد. کنایه‌هایی که فردوسی در ابیات ذیل به کار گرفته است، مانند: «بر خون کسی تشنه نبودن»، «سری پر از کین داشتن» و «زهر پراکندن»، بر میزان اثرگذاری کلام کی خسرو می‌افزاید و مخاطب، هرچه بهتر با این ویژگی حسنه شاه ایران آشنا می‌شود. کنایه‌هایی که بار معنایی منفی دارند به سپاهیان توران مربوط می‌شوند و کنایه‌ای که بار معنایی مثبت دارد، درباره کی خسرو است. این حالت تقابلی، مخاطب را در جایگاه قاضی قرار می‌دهد و خوی و منش اخلاقی دو گروه را با یکدیگر می‌سنجد.

سپهبد سوی آسمان کرد سر	که ای دادگر چاره چاره‌گر
همان لشکرست این که سر پر ز کین	همی خاک جستند از ایران‌زمین
که زهر گزاینده پراگند	سر کشتگان اندرو آگند...
نیم من به خون شما شسته چنگ	نگیرم چنین کار دش‌خوار و تنگ
همه یکسره در پناه منید	وگر چند بدخواه گاه منید

(همان: ۱۶۱)

بررسی زمینه‌های کاربست «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در... ۱۶۵

در بیت ذیل، بیژن به نزد کی‌خسرو می‌آید و به وی ادای احترام می‌کند. بیان توصیفی بیژن قابل تأمل است؛ زیرا موقعیت حکومت کی‌خسرو را نشان می‌دهد. عبارت کنایی «بلند بودن سر تاج و تخت» به معنی والامقامی و استواری پایه‌های حکومت شاه ایران زمین است.

چو بیژن به نزدیک خسرو رسید سر تاج و تخت بلندش بدید
بیوسید و گفتش که ای شیرمرد کجا رفته بودی به دشت نبرد؟

(همان: ۱۶۳)

هنگامی که افراسیاب نامه‌ای برای کی‌خسرو می‌نویسد و او را به آشتی و صلح دعوت می‌کند، شاه ایران فهرستی از جنایات شاه توران را به او یادآوری می‌کند. این کنش‌های ناسزاوار که در حق کی‌خسرو در دوران کودکی اعمال شده، هرگونه حس خویشتاوندی و ترحم برآمده از آن را در وجود پور سیاوش از بین برده است. ستمی که افراسیاب بر او و مادرش روا داشت، به قدری جان‌کاه و زجرآور بود که او هرگز آن را از یاد نمی‌برد. استفاده از کنایه «آتش بر سر افروختن» به معنای کسی را مورد ستم و اذیت قرار دادن، بر تأثیرگذاری کلام کی‌خسرو افزوده و سختی‌هایی را که در کودکی تاب آورده، در نگاه مخاطب ملموس‌تر جلوه داده است.

مرا نوز نازاده از مادرم همی آتش افروختی بر سرم...
که هرگز به گیتی کسی آن نکرد ز شاهان و گردان و مردان مرد

(همان: ۲۴۸)

کی‌خسرو شاهی اسرارآمیز است. او بعد از آن‌که از حیل‌های افراسیاب جان سالم به در برد و به پادشاهی ایران رسید، مدتی بعد از قدرت کناره‌گیری کرد و زمام کشور را به لهراسب شاه سپرد. این کار در حالی انجام شد که کی‌خسرو به لحاظ جسمانی و ذهنی از آمادگی کامل برای ادامه حکومت برخوردار بود، ولی با خلوت‌گزینی و گرایش به وادی کشف و شهود، راه دیگری در پیش گرفت. فردوسی در شاهنامه سخنان پایانی کی‌خسرو با اطرافیان خود را ثبت کرده است. شاه خطاب به دیگران اعلام می‌کند که پیام‌هایی از عالم ماوراء دریافت کرده و باید

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۱ ❖ پاییز ۱۳۹۸

۱۶۶ بررسی زمینه‌های کاربرست «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در...

زمام امور را به لهراسب بسپارد. از این پس، ارتباط فیزیکی برای او ممکن نیست و تنها در عالم رؤیا و خواب قادر به برتراری ارتباط با اطرافیان خواهد بود. شاعر این دیدگاه را با کنایه «آشنا شدن با سروش» بازگو کرده است. کنایه مذکور به معنای سفر انسان از عالم ماده به عالم معنا است.

مگر با سروش آشنایی بود...
چنین گفت با نامور بخردان
کنون چون برآرد سنان آفتاب
که باشید بدرود تا جاودان
نبیند ازین پس مرا جز به خواب
(همان: ۵۰۲)

استعاره

استعاره یکی از صورت‌های خیالی پرتکرار در شعر فارسی و شکل فشرده تشبیه است. در سال‌های اخیر نگاه تازه‌ای به ظرفیت‌های استعاره شده و کارکرد آن در متون ادبی و فراتر از آن، زندگی روزمره بررسی و کاویده شده است. «یکی از متداول‌ترین تعریف‌های استعاره، انتقال معنی از عنصری به عنصر دیگر است، یعنی عنصری که مفهوم مشخص‌تر و شناخته‌شده‌تری دارد، تمام یا قسمتی از معنای خود را به عنصر دیگری که اغلب کمتر شناخته شده است و دسترسی زیادی به آن وجود ندارد، منتقل می‌کند». (قاسم‌زاده، ۱۳۹۱: ۹) یکی از ویژگی‌های این صورت خیالی، کنش‌پذیر کردن ذهن مخاطب است. پیدا کردن نشانه‌ها برای رسیدن به سوی دیگر استعاره که حذف شده است، ذهن را پویا و کنش‌مند می‌سازد. «استعاره دسته خاصی از فرآیندهای زبانی است که در آنها جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر (فرابرده) یا منتقل می‌شوند، به نحوی که از شیء دوم به گونه‌ای سخن می‌رود که گویی شیء اول است». (هاوکس، ۱۳۷۷: ۱۱)

در شاهنامه، فردوسی از ظرفیت‌های استعاره برای ترسیم سیمایی آرمانی از کی‌خسرو استفاده کرده است. در نگاه شاعر، انسان آرمانی ریشه‌ای سترگ و شایسته آفرین دارد. تأثیر

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۱ ❖ پاییز ۱۳۹۸

بررسی زمینه‌های کاربرست «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در... ۱۶۷

وراثت و اصل و نسب در باور سراینده شاهنامه غیرقابل انکار است. تعریف او از انسان آرمانی، تنها به یک فرد محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از نیاکان او را دربر می‌گیرد. بنا بر این، پیشینه‌نَسبی قابل ستایش یک فرد باعث می‌شود، در مسیری درست گام بردارد. این باور در ارتباط با کی خسرو و توصیفات فردوسی از وی، بهتر نمود می‌یابد. هنگامی که شاه جوان و مادرش، فرنگیس از توران راهی ایران می‌شوند و به نزدیکی پایتخت می‌رسند، با استقبال و ثنای مردم مواجه می‌شوند. فردوسی در این صحنه، فرصت را غنیمت می‌شمرد و با ایجاد شبکه‌ای استعاری از واژگان «بیخ، درخت و شاخه»، نگاه خود را تشریح می‌کند. از دید او، کی خسرو همان ریشه‌ای است که از شاخه‌ای سترگ (استعاره از سیاوش) و درختی فرخ (استعاره از کاووس) برآمده است. بنا بر این، در سایه‌کشورداری و اقتدار او می‌توان سال‌ها زیست. پیش‌بینی هم درست بوده است؛ زیرا کی خسرو برخلاف نیای خود، کاووس، شاهی آرمانی و مورد علاقه مردم بوده است. خوشه‌های واژگانی استعاری که شاعر برای بازنمایی این جنبه از شخصیت کی خسرو ارائه کرده، در ایجاد مقبولیت برای او در نزد مخاطبان بسیار اثرگذار بوده است.

فریگیس و کی خسرو آنجا رسید به	بسی مردم آمد ز هر سو پدید
دیده سپردند یکسر زمین	زبان دد و دام پسر ز آفرین
کز آن بیخ برکنده فرخ درخت	ازین گوشه شاخی برآورد سخت...
کسی کز سیاوش بیاورد گریست	به زیر درخت بلندش بزیست

(فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۷۶-۳۷۵)

کی خسرو در شاهنامه، شاه آزادگان دانسته شده است. این ترکیب استعاره از ایرانیان است. از زمان‌های دور و دراز، مردم این سرزمین، آزاده نامیده می‌شدند. این عبارت استعاری، پیامی ستایش‌آمیز و همراه با ابهت دربر دارد. آزاده خواندن یک ملت، به معنای آزاده بودن شاه آن ملت است و این استعاره، چنین مفهومی را به مخاطب انتقال داده است. به عبارت دیگر، این استعاره از سوی، مردم ایران را می‌ستاید و از سوی، بر شخصیت والای کی خسرو صحنه می‌گذارد.

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۱ ❖ پاییز ۱۳۹۸

۱۶۸ بررسی زمینه‌های کاربرست «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در...

بسه دژ در شش آن شاه آزادگان ابسا پیرگودرز کشوادگان
یکی شهر دید اندر آن دژ فراخ پراز باغ و ایوان و میدان و کاخ
(همان: ۴۶۷)

کی خسرو تنها یک شاه نیست، او مرد اخلاق است. یکی از سویه‌های اصلی کشورداری او، ارتقا و تقویت ابعاد مینوی و معرفتی مردمانی است که بر آنها حکمرانی می‌کند. بنا بر این، او را می‌توان شاه / معلم دانست و توأمان نقش سیاسی و دینی برایش متصور بود. کی خسرو ایجاد تحولات اخلاقی مثبت را از خود آغاز کرده است. به این معنا که تنها به اندرزگویی و سفارش دیگران بسنده نکرده و ابتدا خودش این تغییرات را آغاز کرده است. از این رو، الگویی شاخص و باورپذیر برای مردم به شمار می‌رود. او در گفتگو با یکی از یاران خویش، این رویکرد خلاق را منعکس کرده و فردوسی با استفاده از ظرفیت‌های استعاره مصرحه آن را شرح داده است. «سرای سپنج» استعاره از دنیاست و دل‌کندن کی خسرو از آن، عدم وابستگی او به تعلقات را نشان می‌دهد. در سیره عملی او، این موضوع دیده می‌شود. کی خسرو در اوج قدرت و محبوبیت، به ناگاه از حکومت دست می‌شوید و آن را به لهراسب واگذار می‌کند و خودش برای عبادت و خلوت‌گزینی از دیده‌ها محو می‌شود. نکته جالب آنکه، در مصراع دوم، فردوسی از زبان کی خسرو بیان می‌کند که با دل بردیدن از دنیا، ریشه رنج‌ها و دردها نیز، در وجود او تباه شده و از بین رفته است. بنا بر این، منشأ گرفتاری‌های آدمی در دنیا دوستی افراطی و خارج از قاعده اوست.

کنون جان و دل زین سرای سپنج بکندم سرآوردم این درد و رنج
(همان: ۴۸۶)

یکی از شاخصه‌های اصلی زمان کشورداری کی خسرو، دادگری است. او در طول سال‌هایی که شاه ایران زمین نامیده می‌شد، پیوسته در مسیر عدالت‌گستری گام برمی‌داشت و در تلاش بود، ویرانی‌ها را به آبادانی بدل کند و غم مردم را به شادی بدل نماید. فردوسی برای برجسته‌کردن این ویژگی، از استعاره مکنیه استفاده کرده و با ذکر عبارت «بیخ داد»، بی‌عدالتی

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۱ ❖ پاییز ۱۳۹۸

بررسی زمینه‌های کاربرست «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در... ۱۶۹

را چون درختی دانسته است که در صورت قطع نکردن آن، ریشه می‌دواند و همه‌جا را فرامی‌گیرد. این نگاه استعاری، کیفیت کشورداری کی خسرو را بازتاب می‌دهد. او در زمینه عدالت‌گستری در شاهنامه مثال‌زدنی است و می‌تواند الگوی دیگران قرار بگیرد. عدالت یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های یک انسان / شاه آرمانی است که فردوسی با تکیه بر ظرفیت‌های بلاغی استعاره مکنیه، آن را برجسته‌تر کرده است.

بگسـترد گـرد جـهان، داد را بکنند از زمین، بیخ بیداد را

(همان، ج ۳: ۵-۴)

در جریان حمله ایرانیان به توران و تسخیر سیاوش‌گرد، فرود، برادر بزرگ‌تر کی خسرو که از جریره به دنیا آمده بود، کشته می‌شود. کی خسرو با شنیدن این خبر، بسیار آشفته و ناراحت می‌شود و دستور می‌دهد که با عاملان این واقعه به شدت برخورد شود. در این راستا، طوس نوذر مؤاخذه می‌شود و به زندان فرستاده می‌شود. در بیت ذیل، «جاودان‌خانه» استعاره مصرحه از سیاه‌چال است. کی خسرو با لحنی تند، خطاب به طوس می‌گوید که تنها به واسطه پشتوانه نسبی‌اش، او را به دار مجازات نمی‌آویزد و راهی زندان می‌کند. افزون بر این، در این استعاره، به صورت غیرمستقیم به حبس ابد طوس نوذر به دلیل تخطی از دستور شاه اشاره شده است.

برو جاودان‌خانه زندان تُست همان گوهر بد نگهبان تُست

ز پیشش براند و بفرمود تند به بند از دلش بیخ شادی بکند

(همان: ۸۰)

نتیجه

کی خسرو، جزو آرمانی‌ترین شخصیت‌های شاهنامه فردوسی است. او در طول زندگی پرفراز و نشیب خود، حوادث گوناگونی را پشت سر گذاشته و به کمال شخصیتی رسیده است. سفرهای گوناگون، مبارزات پیاپی، همنشینی با شخصیت‌های شایسته‌ای چون رستم و...، مجموعه‌ای از عوامل مهم بوده‌اند که کی خسرو را به عنوان پشاهی دادگر و آرمانی و شخصیتی معرفت‌جوی مطرح کرده‌اند. او نمودی از انسان والا و کامل است که با درک درست واقعیت، تصمیمات مهمی در دوران کشورداری خود گرفته و سلامت و امنیت مردم فیزیکی و روانی را به بهترین نحو تأمین کرده است. فردوسی با استفاده از تشبیهات، کنایات و استعارات مکرر، این مفاهیم را بهتر برای مخاطب خود بازتاب داده است.

تشبیهات به کار رفته در شاهنامه بیان‌گر ویژگی‌هایی چون: «زیبایی ظاهری، قد و قامت بلند، ایجاد تحولات مثبت در اطرافیان، ترحم و دلسوزی نسبت به دیگران، خدامحوری، قدرت نظامیان و جنگاوری» برای کی خسرو است. بررسی کنایات مشخص می‌کند که شاخصه‌هایی چون: «پدید آمدن دگرگونی‌های مثبت برای اطرافیان با دیدار او، مبارزه با نیروهای اهریمنی، دستگیری از مردم و کمک به آنان، بازتولید مفهومی نوین و مثبت از قدرت، احترام به پیشینیان، قدرت جسمانی و جنگاوری، بخشودگی، موقعیت سیاسی و حکومتی استوار، دشمن‌ستیزی، سفر از عالم ماده به عالم مینوی» در شخصیت کی خسرو برجسته و ویژه بوده است. همچنین، استعاره‌ها بیان‌گر مواردی چون «تأثیر وراثت و نسب در شخصیت انسان‌ها، اعتبار بخشیدن به ملت ایران، عدم تعلق خاطر به دنیا، دادگری، مجازات خاطیان با هر مقام و مرتبه‌ای» بوده است. در مجموع، بررسی صورت‌های خیالی سه‌گانه مرتبط با کی خسرو نشان می‌دهد که این ابزارهای ادبی، در فرآیند خوانش مخاطب از کلام فردوسی و نیز، پی بردن به منظور او بسیار مؤثر بوده‌اند و سهولت ایجاد کرده‌اند. همچنین، مشخص شد که نگاه فردوسی به صور خیال - به عنوان شاعری مردمی و دغدغه‌مند - در راستای منظومه فکری او قرار دارد و از برای هنرنمایی یا آرایش صرف از آن استفاده نمی‌کند. به عبارت دیگر، تشبیه، کنایه و استعاره در چهارچوب هنر متعهد و مردمی فرزانه طوس تعریف می‌شوند.

بررسی زمینه‌های کاربردی «تشبیه، کنایه و استعاره» در ترسیم انسان آرمانی در... ۱۷۱

منابع و مأخذ

- ۱- ابوبکر محمد، یوسف. *مفتاح العلوم*. بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ۲- احمدی ملکی، رحمان. «تشبیه‌های تصویری در شاهنامه»، نامه فرهنگ، شماره ۳۰، ۱۳۷۷، صص ۱۶۸-۱۷۵.
- ۳- خدیور، هادی و شفیعی اقدم، ملوک. «بررسی کنایات شاهنامه در بخش تاریخی (رویکردی فرهنگ‌واره‌ای)». پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۳، ۱۳۹۰، صص ۲۷-۴۶.
- ۴- فردوسی، ابوالقاسم. *شاهنامه*. به تصحیح جلال خالقی مطلق، زیر نظر احسان یارشاطر، نیویورک: Bibliotheca Persica، ۱۳۶۶.
- ۵- قاسم‌زاده، حبیب‌الله. *استعاره و شناخت*. تهران: ارجمند، ۱۳۹۱.
- ۶- نجفی، عیسی و پیری، حامد. «مقایسه سبک‌شناسانه تشبیهات شاهنامه با تشبیهات گرشاسب-نامه». فصلنامه بهار ادب، شال ۶، شماره ۱۹، ۱۳۹۲، صص ۴۳۰-۴۱۱.
- ۷- هاشمی، سید احمد. *جواهرالبلاغه فی المعانی والبیان والبدیع*. تهران: الهام، ۱۳۷۷.
- ۸- هاوکس، ترنس. *استعاره*. ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز، ۱۳۷۷.
- ۹- همایی، جلال‌الدین. *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: اهورا، ۱۳۸۹.